



بررسی مولفه‌های تسهیل‌کننده ژئوپلیتیکی ایران در راستای قدرت برتر منطقه‌ای در آسیا جنوب‌غربی

اعظم یوسفی^۱ استادیار جغرافیای سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
زینب تبریزی دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی
داود حسن ابادی استادیار گروه جغرافیا دانشگاه ازاد واحد گرمسار- ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۱

چکیده

مکانیزم روابط جغرافیا و سیاست شرایطی را به وجود می‌آورد که مدیریت سیاسی فضاهای جغرافیائی را در درون کشور تسهیل کرده و وزن ژئوپلیتیکی همان فضای جغرافیائی- سیاسی را در سطح منطقه یا جهان تبیین می‌کند. از این‌رو عدم درک موقعیت جغرافیایی یک مکان و فضای جغرافیایی و مسائل آن از جمله نقاط ضعف و نقاط قوت، هزینه‌های سنگینی در بر منافع ملی تحمل خواهد کرد که تاثیرهای آن در قدرت ملی کشور و موقعیت کشور در ساختار نظام جهانی آشکار می‌کند. ایران از جمله کشورهای جنوب غرب آسیاست که با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوакونومیکی می‌تواند به عنوان تنها ابرقدرت منطقه ابراز وجود نماید. از این‌رو شناخت و بررسی عوامل تسهیل‌کننده در ارتقاء سطح قدرت ایران به عنوان هدف عملی در راستای اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی جهت نیل به قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی است. پژوهش مزبور با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای ضمن بررسی نقش پیش برنده‌گی متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق برتری منطقه‌ای ایران باشد موانع تحقق این امر را مدنظر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ایران، آسیای جنوب غربی، منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئوакونومیک، قدرت



مقدمه

با پایان جنگ سرد، در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه‌دار و قدرتمند جنگی در صحنۀ بین‌المللی، دیگر قدرت نظامی نیست. زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم و رودررو، که نیازمند پشتیبانی نیروهای نظامی است، فرصت بروز پیدا نخواهد کرد.

دیپلمات‌ها امروزه، مدعی دفاع از منافع اقتصادی و دیپلماسی هستند. وظیفه‌ای که هر دیپلماتی نمی‌تواند از عهده آن برآید. امروزه قدرت ملی ارتباط مستقیمی با درک مفاهیم ژئوپولی نومیکی دارد. در دنیاگی که به سرعت به سمت اقتصاد جهانی پیش می‌رود، اهداف و منافع سیاست ملی موضوعی برای اهداف و منافع اقتصادی می‌شود. این تغییر جهت‌ها و ارتباط مفاهیم جدید با یکدیگر نشان‌دهنده شروع یک عصر ویژه است. در همین دوران بود که واژه ژئوکونومی مطرح شد که برخی به اشتباه آن را جایگزین ژئوپلیتیک می‌دانند و گروهی هم به اشتباه فکر می‌کنند که دوران ژئوپلیتیک به سرآمدۀ است و دوران ژئوکونومیک مطرح است، درحالی‌که این یک اشتباه در تعبیر مفاهیم است زیرا واژه ژئوکونومی درواقع تغییر نام و هدف واژه ژئو استراتژی است. در حقیقت در مفهوم ژئوکونومی، اهداف با دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی با بهره‌گیری از بستر ژئوپلیتیک به اهداف استراتژیک تغییر شکل دادند.^۱ (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۴) هدف اصلی ژئوکونومی کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دست یافتن به استیلای فناوری و بازارگانی است. که درنهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پیدی می‌آورد.^۲ (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

اقتصاد همواره عامل تعیین‌کننده سیاست داخلی و خارجی کشورها بوده است. این عامل اکنون به اهرم پرقدرتی برای تأثیر در سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شده است. منطق اقتصادی، اکنون در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی نقش درجه اول ایفا می‌کند. در حقیقت، به اعتقاد کارشناسان مسائل ژئوپلیتیکی، نظام متغیر جهانی، بعد از افول نقش ایدئولوژی در رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی، وارد دوران جدیدی شده است که یکسره به کارکرد زیربنایها، پتانسیل‌ها و سیاست‌های اقتصادی در شکل دادن به ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد. در حقیقت می‌توان عصر حاضر یا همان قرن ۲۱ را دوران اندیشه ژئوکونومی نامید. که نقش کشورها و ایمپای آن در بعد جهانی و منطقه‌ای، همه منوط به داده‌ها و داشته‌های اقتصادی آن‌هاست و نقش‌آفرینی و موقعیت کشورها در سطوح قدرت جهانی درگرو توان اقتصادی آن‌هاست.

حال این نکته مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی ایران از بعد ژئوپلیتیک و ژئوکونومیک چه ویژگی‌های دارد که در قرن حاضر می‌تواند تسهیل کننده در جهت قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی باشد. از این‌رو پژوهش حاضر درصد است تا به بررسی و تحلیل عوامل تسهیل کننده (با تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیکی) قدرت منطقه‌ای ایران پیردازد.



طرح موضوع

جمهوری اسلامی ایران در صدد است که تا سال ۱۴۰۴ به کشوری توسعه یافته با جایگاه برتر اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل تبدیل شود. منطقه مورد نظر در این موضوع منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد که کشورهای خاورمیانه را در خود جای داده و پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان یعنی آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می‌گیرد. این منطقه با وجود پیشینه تاریخی- تمدنی چند هزار ساله و اشتراک‌های فرهنگی - دینی به عنوان یکی از غنی‌ترین کانون‌های فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن دو سوم منابع عظیم نفت و گاز جهان کماکان از مناطق کمتر توسعه یافته محسوب می‌شود و متأسفانه فاقد الگویی از همکاری‌های توسعه جمعی است. جمهوری اسلامی ایران (ج. ا.) به عنوان کشور شاخص در این منطقه دارای تمدنی ۵ هزار ساله است که در بین سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا قرار گرفته و دارای ظرفیت‌های ارزشمند ژئوپولی نومیکی است. همین موقعیت مرکزی باعث گردیده که عنصری تاثیرگذار در شکل‌گیری حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور خود مانند قفقاز، آناتولی، آسیای مرکزی، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران باشد و بر اهمیت ژئواستراتژیک ج. ا. افروده گردد. ایران هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی موقعیت خاصی دارد که با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاهای و قلمروهای پیرامون خود جدا و متمایز می‌شود، قدرت آفرینی موقعیت ژئوپلیتیکی ایران منبعث از جایگاه ارتباطی، وحدت فضایی و سرزمینی، مجاورت با خلیج فارس و تنوع اقلیمی است که ضمن دارا بودن جایگاه بالا در تولید و ذخایر نفت و گاز باعث گردیده هم مشرف بر تولید و انتقال منابع انرژی باشد و هم از مناطق شمال و جنوب برای ایجاد فضای همکاری و پیوند با کشورهای این مناطق سود ببرد. این موقعیت منحصر بفرد و استراتژیک زمینه حضور قدرت‌های فران منطقه‌ای را فراهم نموده است که در همین راستا و به دلیل بروز رقابت در بین قدرت‌های فران منطقه‌ای در جهت سود بردن از این موقعیت، رقبتی جدی ایجاد شده است. شکننده بودن مرزها بهویژه در نواحی شرقی و معضل قاچاق مواد مخدوش وجود بحران سیاسی- اقتصادی دائم در نزدیکی مرزها، جنگ داخلی و عدم ثبات در کشورهای همسایه، وجود قاچاقچیان کالا در عمدۀ نواحی مرزی شمال، جنوب و غرب کشور از عوامل مهم بازدارنده منبعث از موقعیت جغرافیایی است که در برتری منطقه‌ای ج. ا. ا. تأثیر منفی دارد.

با توجه به آنچه در فوق آمد این تحقیق در صدد بررسی این سؤالات است که اولاً چه عواملی در برتری منطقه‌ای ایران در منطقه آسیای جنوب غربی تأثیرگذار می‌باشند؟ و از بین عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی اثرگذار در برتری منطقه‌ای ج. ا. ا. نقش تسهیلی و بازدارندگی متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی چگونه می‌باشد؟ و در راستای یافتن پاسخی منطقی و مستدل برای این سؤالات در ابتدا اشاره‌ای تحلیلی به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکنومیکی ج. ا. ا. می‌نماید و در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای بررسی نقش پیش برنده متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی که تاکنون زمینه‌ساز تحقق برتری منطقه‌ای ایران شده است را بیان می‌نماید.

مباحث نظری تحقیق

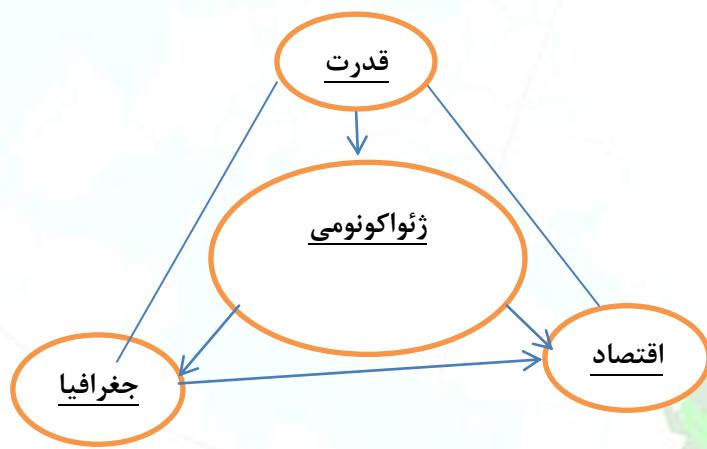
دو فصلنامه علمی قلمروهای جغرافیایی قرن جدید

Two scientific Quarterly of Geographical territories of the new



با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به‌گونه‌ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئوакونومیک یافت. ادوارد لوتواک^۱ در سال ۱۹۹۰ م. پارادایم ژئوакونومیک را با مفهومی گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. (عزمی، ۱۳۸۰: ۳۶) درواقع ژئوакونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل‌گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است که البته خود یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است (نمودار ۱).

نمودار ۱ ژئوакونومی



منبع: عزمی، ۱۳۸۵

با مطرح شدن این مفهوم در ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی برخلاف جنگ سرد، از بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی هستند یا محل عبور آن هستند مورد توجه قرار می‌گیرند. در حال حاضر انرژی متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژی ها به حساب می‌آید. برژینسکی نیز توضیحاتی کاملی در این زمینه ارائه داده است. وی بیان می‌دارد که جالب است که در تعیین مناطق ژئو اکونومیک که انتباطاً کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن ۲۱ دارد باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه است (عزمی، ۱۳۸۵).

در جهان مناطق جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند: بسیاری از صاحب‌نظران تفویق ژئوکنومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده‌اند. (عزمی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). تغییر مفهوم سنتی ژئوپلیتیک و مناطق ژئوپلیتیک به مضمون‌های جدید قدرتیابی کشور و مناطق ژئوکنومیک، نقش و تأثیر عامل اقتصادی را در نظام بین‌الملل به همراه داشته است. راهبرد مبتنی بر ژئوکنومی، به عنوان یک ابزار سیاسی برای دولتها محسوب می‌شود. هدف اصلی ژئوکنومی، کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به

^۱.Edvard N.Luttwak

دو فصلنامه علمی قلمروهای جغرافیایی قرن جدید

Two scientific Quarterly of Geographical territories of the new



قدرت فیزیکی نبوده؛ بلکه دست یافتن به استیلای فناوری و بازرگانی است که درنهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد (قلی زاده، وهمکاران: ۱۳۸۷) البته ژئوکconomی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست. چراکه هریک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک را ارائه می‌دهد یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه رقابت قدرتی است ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی را از شرایط موجود را ارائه می‌دهد و جنبه ژئوکconomیک به خود می‌گیرد. بنابراین ژئوکconomی، اثرگذاری عوامل با زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

با تغییر شاخص‌های در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئوکconomیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئوکconomیک، موضوع ژئوپلیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح گردید.

از ویژگی‌های عصر ژئوکconomی، اهمیت یابی اقتصاد در عرصه جهانی است. برخلاف دوران جنگ سرد که در آن تقسیم ژئوپلیتیکی جهان جنبه ایدئولوژیک داشت در گروه‌بندی‌های نوین ژئوپلیتیکی جهان پس از جنگ سرد اقتصاد‌مبنای قرارگرفته است.(مجتبه‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۷) اقتصاد همواره عامل تعیین‌کننده سیاست داخلی و خارجی کشورها بوده است. این عامل اکنون به اهرم پرقدرتی برای تأثیر در سیاست‌های جهانی تبدیل شده است. منطق اقتصادی، اکنون در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی نقش درجه اول ایفا می‌کند. در حقیقت، به اعتقاد کارشناسان مسائل ژئوپلیتیکی، نظام متغیر جهانی، بعد از افول نقش ایدئولوژی در رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی، وارد دوران جدیدی شده است که یکسره به کارکرد زیربنایها، پتانسیل‌ها و سیاست‌های اقتصادی در شکل دادن به ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد. در این دوره، پیدایش مفهوم جدید ژئوکconomی موجب شده است تا برخی از سیاست پردازان از این مفهوم تحت عنوان جنگ اقتصادی تعبیر نمایند.

ژئوپلیتیسین‌ها با استناد به نظریه‌هایی چون "ثبت مبتنی بر هژمون" معتقدند که یکی از شاخصه‌های بنیادی قدرت هژمون در هر عصری، کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است^۱ (Glipin, Robert ۲۰۰۱) در دوران ژئوکconomی امنیت دیگر تنها بعد نظامی ندارد، بلکه وجه امنیت اقتصادی و امنیت انرژی اهمیت روزافزون یافته و کشورهایی که بر مناطق ژئوپلیتیک و ژئوکconomیک انرژی تسلط دارند نقش مهمی را در معادلات نظام جهانی و بهویژه قدرت‌های بزرگ ایفا خواهند کرد. با این اوصاف می‌توان بیان داشت که قرارگیری در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناسب این امکان را برای کشورها واقع در یک منطقه در جهت کسب قدرت را فراهم می‌آورد. یکی از کشورهایی که با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی استثنایی علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های



منحصر به فرد ژئو اکونومیکی می‌باشد ایران است. موقعیت ژئو استراتژیک، منابع عظیم انرژی، موقعیت جغرافیایی بی‌همتای ایران میان خلیج فارس و دریای خزر، پل سرزمینی شرق و غرب همه بیانگر وجود پتانسیل‌های متعدد برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر منطقه‌ای می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

جایگاه ایران در نظام جهانی

جیمز رزنا در کتاب مطالعه علمی سیاست خارجی نقش و جایگاه کشورها در چگونگی تعامل با نظام جهانی را در الگوهای چهارگانه‌ای موردنبررسی قرار داده است. بر اساس این دیدگاه به لحاظ معادلات ژئوپلیتیک، قدرت‌های جهانی همچون ایالات متحده آمریکا بیش از آنکه از نظام بین‌الملل تأثیر بگیرند بر آن اثر می‌گذارند. دسته دوم کشورهایی هستند که تأثیرپذیری آن‌ها از نظام بین‌الملل بیش از تأثیرگذاری آن‌هاست. کشور لبنان نمونه روشنی از این کشورهای است. برخی از واحدهای سیاسی نیز ضمن آنکه تأثیر چندانی بر نظام بین‌الملل ندارند از تحولات و دگرگونی‌های جهانی نیز کمتر تأثیر می‌پذیرند. کشور سویس نمونه باز این‌گونه واحدهای سیاسی است.

چهارمین گروه واحدهای سیاسی هستند که هم بر نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارند و هم از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرند. کشور ایران که از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در چهارراه بین‌المللی واقع است در گروه کشورهایی اخیر قرار می‌گیرد. آنچه باعث اتصال و ارتباط ایران با نظام جهانی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ایران در سده اخیر شده است موقعیت جغرافیایی آن است که به تعبیر مورگنتا از پایدارترین عامل تأثیرگذار در بر قدرت ملی واحدهای سیاسی است علاوه بر موقعیت جغرافیایی از طرف دیگر منابع نفت و گاز است که آن‌هم به موقعیت جغرافیایی ایران ارتباط می‌یابد. (اطاعت، ۱۳۹۲) با این رویکرد جایگاه ایران در عصر حاکمیت گفتمان‌های ژئو استراتژیک و ژئو اکونومی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- ایران در عصر ژئو استراتژیک:

نظریه پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بین‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکیندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بُری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بُری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، هرچند در نظریه سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه خردشده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۲۹۹)

بنابراین، در دوره حاکمیت ژئو استراتژیک که متأثر از نظریات قدرت دریایی ماهان، هارتلند مکیندر، و مهمتر از همه ریملند اسپایکمن و کمربند شکننده کوهن، جایگاه جغرافیایی ایران به دلیل ارتباط و اتصال به دریای آزاد و در



اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، اتصال با سرزمین قلب از طریق مرزهای شمالی و قرار گرفتن بین دو قدرت بری و بحری و بهبیان دیگر در موقعیت ریملند نظریات ژئوپلیتیک در استراتژی جهانی از اهمیت و جایگاه بالای برخوردار بود.

ب- ایران در دوران حاکمیت ژئواکونومیک:

نکته‌ای که بسیار جالب و بالاهمیت می‌باشد این است که علی‌رغم نظریه صاحب‌نظران که اعتقاد داشتند با از بین رفتن نظام دوقطبی، ایران به‌زودی اهمیت ژئوپلیتیک خود را از دست خواهد داد، چون آنچه به ایران به عنوان یک منطقه ممتاز ژئوپلیتیکی اهمیت بخشیده بود همسایگی با شوروی و بلوک شرق بود، از این‌رو طبیعی است که با فروپاشی این بلوک ایران نیز اهمیت خود را از دست بدهد. اما گذشت زمان شکست این نظریه را ثابت کرد و مسیر وقایع خلاف این فرضیه را به اثبات رسانید. چراکه با کشف و اهمیتم منابع زیرزمینی و ذخایر انرژی در خزر و قفقاز بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران البته در قالبی دیگر نمایان گردید (Shahram Chubin, Summer 1999) پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌الملل از نظامی به اقتصادی تغییر یافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به مؤلفه‌های ژئواکونومی داد. در دوره جدید منابع ارزشمند انرژی جایگزین اهمیت سرزمینی شده است. با پایان ژئوپلیتیک سنتی و مبتنی بر مسائل نظامی و ظهور ژئوپولی نومیک، توجه جامعه بین‌الملل به میزان مصرف نفت در جهان به عنوان خون صنعت مدرن و جایگاه خاورمیانه در داشتن ذخایر شناخته‌شده جهانی و بالاخره به میزان تولید نفت در خلیج فارس جلب شد.

بر همین مبنای جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند انرژی یاد می‌کند که حوزه نفت و گاز خلیج فارس و حوزه نفت و گاز خزر یعنی ذخایر نفت و گاز روسیه، آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان را در بر می‌گیرد. کانون و مرکز و یا به عبارتی قلب این بیضی نیز سرزمین ایران است که با تپش آن صنعت و اقتصاد جهانی به حرکت می‌افتد. زمانی که میزان ذخایر هارتلند انرژی در یک معادله و جاذبه‌ها و تقاضاهای مصرف در معادله دیگری قرار گیرند، حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه به منظور محاصره کانون انرژی جهان اهمیت هارتلند انرژی دنیا و به تبع آن موقعیت و جایگاه ایران قابل تبیین است. (اطلاعات همان ۹۸)

علاوه پس از فروپاشی شوروی از بعدی دیگر بر اهمیت موقعیت ایران افزوده شد. "ژئوپلیتیک دسترسی" اصطلاحی است ژئوپلیتیکی برگرفته از وضعیت جغرافیائی و استراتژیک منطقه اوراسیا در تحولات پس از فروپاشی شوروی پیشین. دکتر پیروز مجتبه زاده برای اولین بار در کتاب "جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیائی" و به انگلیسی زیر عنوان Bridging A Gap در کتاب The Geopolitics of Access مورد استفاده قرارداد. منظور از این اصطلاح شرح این واقعیت بوده است که همه کشورهای جداسده از اتحاد شوروی پیشین در قفقاز، خزر و آسیای مرکزی کشورهای محاصره شده در خشکی هستند و بی‌بهره از دست رسانی مستقیم یا آسان به راههای دریایی بازارگانی بین‌المللی. قزاقستان، ترکمنستان، و جمهوری آذربایجان همراه با روسیه و ایران در دریای خزر هم کرانه‌اند. این جغرافیای ویژه می‌تواند بازارگانی دریایی میان پنج کشور کرانه‌ای را تشویق نماید. ولی چنین پیشرفتی نمی‌تواند مسئله عدم دست رسانی به بازارهای جهانی را حل کند. در چارچوب پیشنهاد تعاریف منطقه "خرز - آسیای



مرکزی بود که تنها راه عملی حل مشکل جغرافیائی "دست رسی" را در ایده ارتباط دادن همه این جمهوری‌های آن منطقه و افغانستان به خلیج‌فارس و دریای عمان از راه گسترش شبکه‌هایی از راه و راه‌آهن و لوله‌های نفتی و گازی پیشنهاد داد. یکی از چشمگیرترین جنبه این پیشنهاد واگذار کردن یک بندر کوچک از بنادر فراوان ایران در خلیج‌فارس و دریای عمان به هر یک از کشورهای محاصره شده در خشکی ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران بود. با آنکه برخی از کشورهای منطقه از این پیشنهاد استقبال کرده بودند و قرقیزستان حتی رسماً آمادگی خود را در استقبال از این طرح عظیم که به آسانی می‌توانست جغرافیا را به بزرگ‌ترین امکان ژئوپلیتیکی ایران در منطقه تبدیل کند آن‌چنان که هیچ قدرت منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای نتواند اندیشه "انزوای ایران" را در خزر - آسیای مرکزی واقعیت دهد، متأسفانه ضعف عمومی چیره بر دولت وقت مانع از بهره‌برداری ایران از این امکان بزرگ ژئوپلیتیک شد. (مجتبه‌زاده ۱۳۸۹: ۳۳۱-۳۳۲). به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، ایران به خاطر برخورداری از موقعیت خاص و کمنظیر جغرافیایی خود و قرار گرفتن در حدفاصل دو انبار سرشار انرژی فسیلی جهان از اهمیت استراتژیک بیشتری نسبت به قبل از خاتمه جنگ سرد برخوردار شده است.

جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی

آسیای جنوب غربی تا حدود زیادی متشكل از آن چیزی است که خاورمیانه بزرگ شناخته می‌شود اصطلاحی که برای اشاره به ترکیبی از مناطق خلیج‌فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و نیز خاورمیانه عربی است. این منطقه در متون کلاسیک به عنوان یک حوزه جغرافیایی وسیع به کاربرده می‌شود که چندین منطقه مشهور را که در مطالعات منطقه‌ای بهمثابه مناطقی جداگانه محسوب می‌شوند، در خود جای داده است. بخش‌های از منطقه قفقاز، ایران، پاکستان، افغانستان، بخش‌هایی از آسیای مرکزی، ترکیه، عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس، شامات، و گاهی هم مصر نیز در ادبیات رایج به عنوان بخشی از آسیای جنوب غربی به کار می‌روند. درواقع در این نگاه، آسیای جنوب غربی مجموعه‌ای از ۵ منطقه تلقی می‌شود که در مطالعات کلاسیک مناطقی مجزا فرض می‌شوند. (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۳۷) این منطقه دارای وسعتی حدود ۱۲ میلیون کیلومترمربع شامل ۲۵ کشور با جمعیت حدود ۵۴۰ میلیون نفر می‌باشد و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و هند قرار دارد. این منطقه با وجود پیشینه تاریخی تمدنی چندین هزار ساله و اشتراکات فرهنگی دینی به عنوان غنی‌ترین کانون فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن منابع عظیم طبیعی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای استثنایی، کماکان از مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان می‌باشد.

این منطقه با ابعاد ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئوکconomیک برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حائز اهمیت زیادی می‌باشد.

۱- از منظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک:

- قرار گرفتن در منطقه حساس اقیانوس هند که در مسیر مهم‌ترین خطوط ارتباط شرق و غرب است
- وجود دو نقطه از شانزده نقاط استراتژیک جهان (تنگه هرمز و جزایر تنب و ابوموسی)
- محل تلاقی راه‌های مواصلاتی از طرف دریای عمان و بحر احمر به شمال و شرق آفریقا و اروپا
- نقش ارتباطی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی
- واقع شدن در نزدیکی مرزهای روسیه

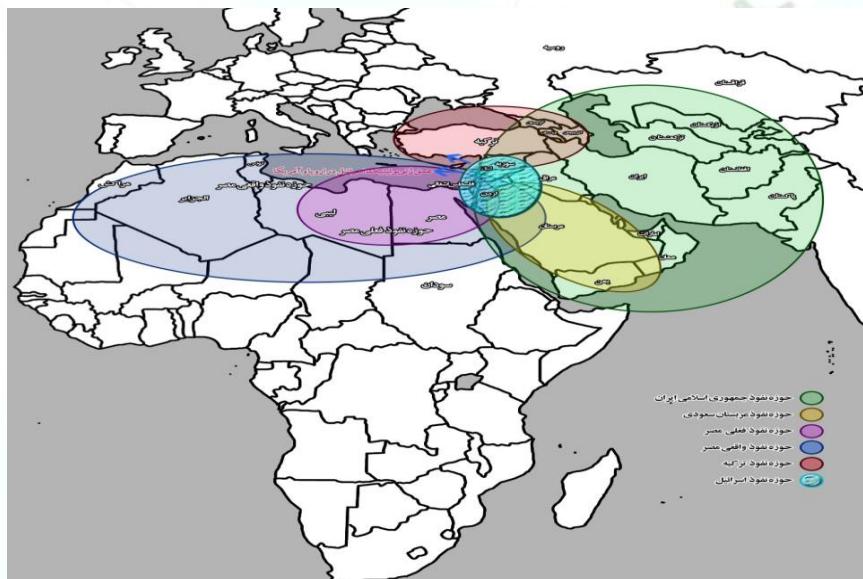


۲- از منظر ژئوکنومیک:

- وجود منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع انرژی و منابع کافی و مواد خام و نیز بازار مصرفی این منطقه را از اهمیت بالایی برخوردار ساخته. ۷۰ درصد منابع انرژی جهان در این منطقه قرار دارد این درحالی که است که پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا ۴۷ درصد، ژاپن ۹۰ درصد و اروپا ۵۰ درصد از انرژی خود را از این منطقه تأمین کنند.

- مسیرهای انتقال انرژی از این منطقه (تنگه هرمز)

در دوران ژئوکنومیک، از نظر موقعیت ژئوپلیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود، منطقه آسیای جنوب غربی قلب آن و ایران نیز قلب منطقه آسیای جنوب غربی محسوب می‌شود. در مقابل، امریکا طی نیم قرن تلاش نموده است تا به مغز جهان تبدیل شود.^۱ (shehr.persiangig.com/iran.pdf) این اهمیت کشور ایران از آنجایی نشات می‌گیرد که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خلیقی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به‌گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد (نقشه شماره ۱).



منبع: پیروز مجتبه‌زاده

در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به‌گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی‌شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به‌طوری که هرگونه تغییری در وضعیت



ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

حتی امروز در منطقه آسیای جنوب غربی شرایطی به وجود آمده که می‌تواند ایران را در حرکت به سمت قدرت اصلی منطقه یاری نماید. این مؤلفه و شرایط که باعث نقش‌آفرینی مجدد ایران در منطقه شده است عمدتاً بر چهار محور استوار است:

- شفاف شدن ارزش ذخایر انرژی

- فهم دولتها و ملت‌ها از ارزش موقعیت جغرافیایی آن‌ها

- ظهور الگوهای جدید منطقه‌ای بدون هژمون

- ظهور الگوی سیاسی - حکومتی مردم‌سالاری دینی

اولویت‌بندی ایران در زیر سیستم‌های منطقه آسیای جنوب غربی را می‌توان به ترتیب خلیج‌فارس، آسیا مرکزی، قفقاز و خاورمیانه عربی نامید. این اولویت‌بندی‌ها بر اساس نیازهای ژئوکconomیک، ژئوکالپر و ژئوپلیتیکش می‌باشد (نقشه شماره ۱). شاکری ۸۷

انطباق حوزه‌های ژئواستراتژیک و ژئوکconomیک و جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی
با تغییر شاخص‌ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئوکconomیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئوکconomیک، موضوع "ژئوپلیتیک نفت" و امنیت استراتژیک منابع انرژی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح گردید.

بر همین اساس در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمدۀ "منابع و ارتباطات" نقش اصلی را در شکل‌گیری مناطق ژئوکconomیک و ژئواستراتژیک بازی می‌کنند (رحیم پور، ۹۳:۵۷، ۵۷:۹۳) با افکنندن نگاهی به نقشه منابع انرژی در می‌باییم که بیش از ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در منطقه کوچکی از حوزه خلیج‌فارس تا حواشی دریای خزر نهفته است و به همین دلیل این منطقه به عنوان «تکیه‌گاه قلمروهای ژئواستراتژیک» «انتخاب گردیده است که در این» گرانیگاه استراتژیک «کشور جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی و محوری دارد. روند کنونی تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد این تفکر استراتژیک، بیش از هر چیز، کنترل منطقه‌ای را ایجاد می‌کند که از کانال سوئز تا گذرگاه استراتژیک» مالاکا «را در بر می‌گیرد. این حوزه ژئواستراتژیک جدید، سه منطقه جغرافیایی را دربر دارد که عبارت است از: (کوهن، سوئل، ۸۴:۹۱)

۱- جنوب غرب آسیا با محوریت حوزه خلیج‌فارس به ویژه ایران.

۲- جنوب آسیا با محوریت هندوستان.

۳- جنوب شرق و شرق آسیا با محوریت ژاپن.

امنیت همه‌جانبه جهان در سده بیست و یکم به این مثلث ژئواستراتژیک بستگی دارد که ایران در مرکز آن قرار گرفته است و ایالات متحده آمریکا نیز کنترل این منطقه را محور استراتژیک سیاست‌های خود قرار داده است.

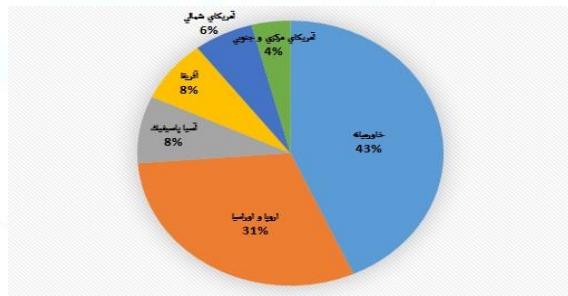
دو فصلنامه علمی قلمروهای جغرافیایی قرن جدید

Two scientific Quarterly of Geographical territories of the new



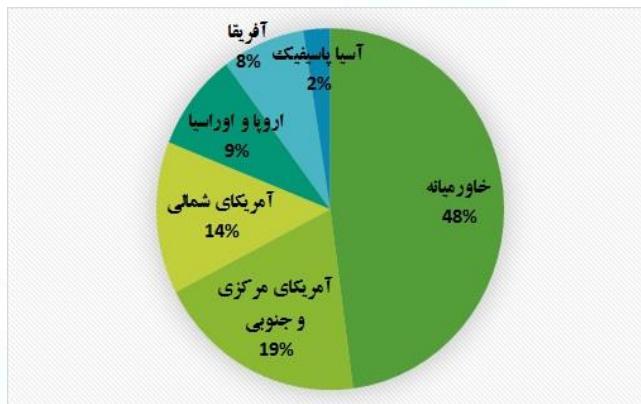
در این مثلث استراتژیک جدید ایران به دو دلیل نقشی حیاتی دارد. اول اینکه ایران تنها کشوری است که از امکانات ویژه‌ای برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به خلیج‌فارس و دریای عمان بروخوردار می‌باشد. آنچه از دید مطالعات ژئوپلیتیکی مسلم می‌نماید این حقیقت است که موقعیت جغرافیایی بی‌همتای ایران میان خلیج‌فارس – دریای عمان (دریای مکران) و منطقه خزر – آسیای مرکزی در دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی شگرف ناشی از سرآمدن دوران جنگ سرد و فروپاشی نظام ژئوپلیتیکی جهان دوقطبی در سرآغاز دهه ۱۹۹۰ شکوفایی چشمگیری پیدا کرد و در عمل تعاریف نوینی که از موقعیت جغرافیایی جدید ایران جلوه‌گر شد ایران را در مقام پلی سرزمنی میان سرزمین‌های ورای شمال و جنوبش قرارداد و با این جلوه‌گری ژئوپلیتیکی جدید ظرفیت ارتباط دادن ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپلیتیک جنوبی اش را به نمایش گذارد. (مجتبهدزاده، ۱۳۸۹، ۱۳۲۱: ۱۳۳-۱۳۳) از سوی دیگر ایران با داشتن ۱۸.۲ درصد منابع گاز و ۹.۳ درصد منابع نفت جهان به ترتیب در جایگاه نخست و چهارم دنیا قرار دارد. بر اساس بررسی آماری شرکت BP از انرژی جهان در سال ۲۰۱۴، آسیای جنوب غربی با داشتن ۴۸ درصد ذخایر نفتی (نمودار شماره ۲) و ۴۳ درصد ذخایر گاز جهان (نمودار شماره ۳)،

نمودار ۲



منبع: دانا خبر به نقل از «BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴»

نمودار ۳



منبع: دانا خبر به نقل از «BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴»

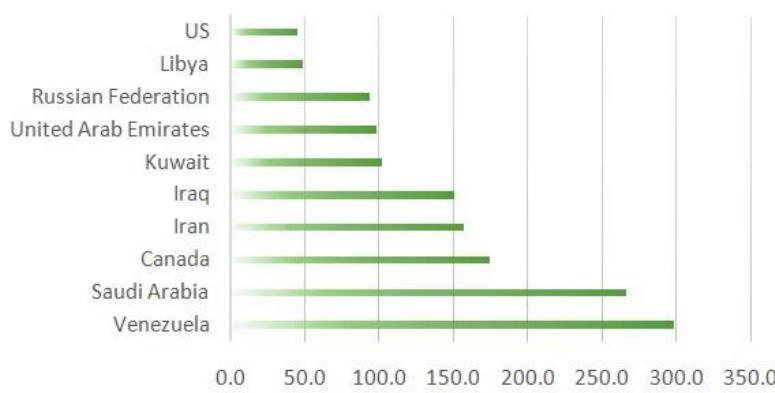
دو فصلنامه علمی قلمروهای جغرافیایی قرن جدید

Two scientific Quarterly of Geographical territories of the new



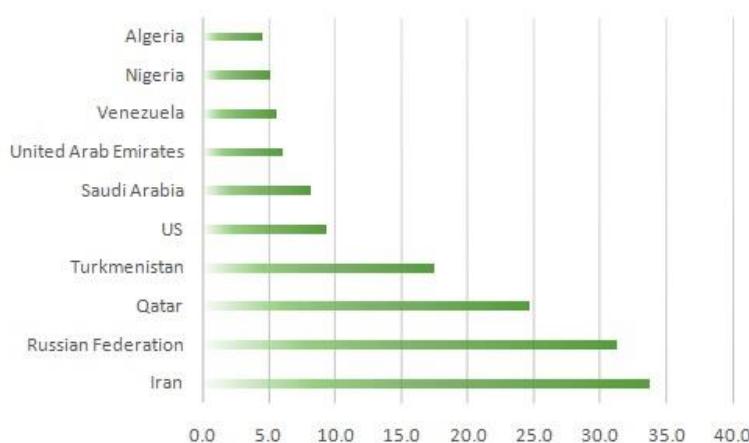
بیشترین ذخایر انرژی دنیا را در اختیار دارد^۱.. (BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴) اما رتبه ذخایر گازی مناطق مختلف جهان، قدری متفاوت با ذخایر نفتی است. اروپا و اوراسیا با داشتن ۳۱ درصد منابع گاز جهان پس از آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) در جایگاه دوم قرار دارد. (danakhabar.com) ایران با در اختیار داشتن ۹.۳ درصد منابع نفتی جهان پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در جایگاه چهارم دنیا قرار دارد (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴



(BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴)

نمودار شماره ۵



- (BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴) منبع:

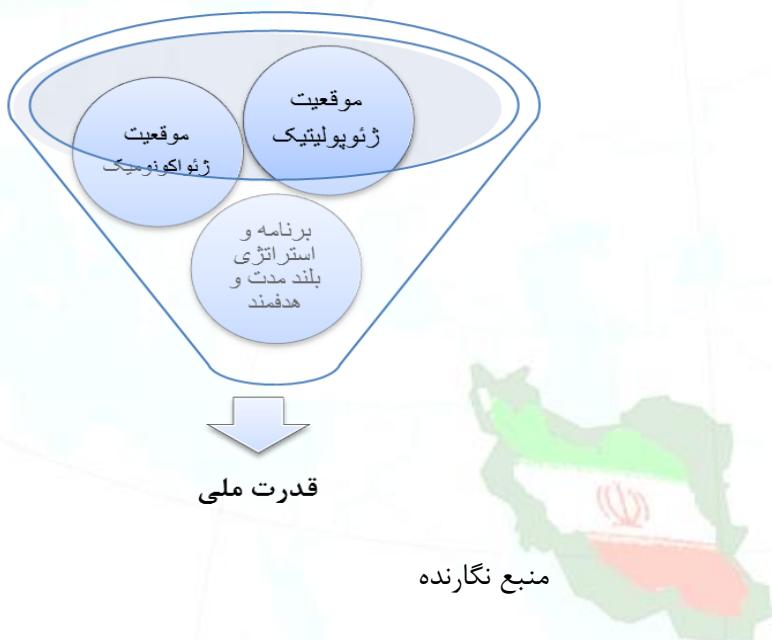
اما بیشترین ذخایر گازی جهان در اختیار ایران قرار دارد و ایران با داشتن ۱۸.۲ درصد منابع گاز جهان در رتبه نخست قرار دارد. وجود ذخایر عظیم انرژی (نفت و گاز)، معادن و منابع طبیعی قابل توجه در کنار موقعیت



استراتژیک ایران توانسته است جایگاهی رفیع و تا حد زیادی بی‌بديلی را برای ایران در عرصه نظام جهانی و بهویژه در چرخه اقتصاد جهانی به وجود آورد.

تمامی این ویژگی‌ها ناشی از موقعیت استثنایی ژئopolیتیک دررسیدن به اهداف توسعه اقتصادی، ایران را یاری می‌نمایند. و پر واضح است که توفیق هر چه بیشتر در حوزه اقتصاد، توانمندی‌های کشور را در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی را افزایش داده و ایران را دررسیدن به هدف راهبردی خود یعنی دستیابی به موقعیت و منزلت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی را یاری می‌رساند. بنابراین کشور ایران با دارا بودن موقعیت خاص ژئopolیتیکی و ژئوکconomیکی خود می‌تواند جایگاه برتر و قدرتمندی در عرصه منطقه‌ای داشته باشد (نمودار شماره ۶).

نمودار شماره ۶



نتیجه‌گیری

شناخت موقعیت جغرافیایی و ژئopolیتیکی، بخشی از اصل قدیمی است که در شکل کلاسیک خود بر جغرافیا عامل تعیین‌کننده اصلی تولید امنیت و قدرت توسط کشور در عرصه جهانی تأکید دارد. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عواملی تغییرناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک حکومت را محدود می‌کنند یا بر عکس می‌توانی زیادی را به یک کشور بدهد. موقعیت جغرافیائی و ژئopolیتیک اثر فراوانی بر توانائی و قدرت حکومت در اقناع کردن، پاداش دادن، تنبیه کردن، چانهزنی و جنگ کردن با سایر کشورها را دارد. هرگاه موقعیت جغرافیایی کشوری یک موقعیت ژئوstratژیک یا ژئopolیتیک باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهان دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد؛ چراکه به ناچار بخشی از یک استراتژی

دو فصلنامه علمی قلمروهای جغرافیایی قرن جدید

Two scientific Quarterly of Geographical territories of the new



نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور گام بردارد.

یکی از مهم‌ترین اهداف ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد. از این‌رو هدف راهبردی ایران در بیست سال آینده دست یافتن به منزلت و موقعیت قدرت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی متشكل از آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه است. منطقه‌ای که خود شامل چند منطقه مداخل و حتی مستقل می‌باشد. قطعاً رسیدن به منزلت و قدرت برتر در منطقه‌ای به این وسعت و تنوع، مستلزم وجود مزايا و قابلیت‌ها و همچنین اتخاذ راهبردها، سازوکارها و رویکردهای مناسب و مطلوبی می‌باشد.

بر این اساس و به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک ج.ا.می‌تواند در مسائل منطقه‌ای نقش‌آفرینی نماید و دور نگه‌داشتن آن از تحولات جهانی مقدور نیست. این موقعیت ممتاز و حیاتی به خصوص در منطقه آسیای جنوب غربی به‌طور اعم و خلیج‌فارس به‌طور اخص است. ایران تبدیل به تنها کشوری که با امکانات ویژه‌ای برای بازیگری در خلیج‌فارس و از لحاظ ژئوپلیتیکی باید رهبری آن را در دست داشته باشد کرده است.

همچنین موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ایران می‌تواند نقش ایران را در ژئوکconomی دنیا بسیار بارز گرداند. کارشناسان بر این اعتقادند که نظارت ایران بر تنگه هرمز که روزانه بیش از ۴۰ درصد نفت جهان از آن صادر می‌شود نقشی استراتژیک برای ایران به وجود آورده و می‌تواند در مقاطع حساس و بحرانی مزیت‌ها و برتری‌های استراتژیک ایران را صد چندان نماید. گذشته از آن تعاملات ایران در نفت و گاز با ترکیه، چین، هند، ژاپن و بسیاری دیگر از کشورها به‌طور روزافزون در حال گسترش است که وابستگی‌های آن‌ها را به ایران افزایش داده و موجب برخی از تبادلات امتیازی در صحنه سیاسی بین‌الملل خواهد گردید.

ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان نفتی خاورمیانه، بازیگری انتقال‌دهنده و تسهیل گر در عرصه پوشش‌های انرژی امتیاز بزرگ دیگری نیز دارد و آن تسلط بر تکیه‌گاه قلمرو ژئوکconomی آسیای جنوب غربی است. به صورتی که بالاتصال حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف، میدان عملیاتی دفاع از منافع سایر بازیگران را هم در اختیار دارد. به عبارت دیگر در نقشه‌های ژئواستراتژیکی قدرت‌های بزرگ هم به عنوان بازیگر اول منطقه‌ای لحاظ می‌شود.

نهایتاً باید خاطرنشان ساخت کشور ایران در کانون منطقه‌ای واقع شده که محور اصلی فضای سیاسی حاکم بر آن اقتصاد انرژی است و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای جدیدی در حال ظهور است و یک نقش رهبری را در تعادل دیپلماتیک خاورمیانه ایفا می‌نماید.

بر این اساس برخی بر این اعتقاد هستند که به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران در منطقه اروپا - آسیا نباید صرفاً به عنوان یک کشور دارای منابع غنی انرژی نگریست، بلکه موقعیت ایران باید از منظر یک پل ارتباطی منحصر به‌فرد بین شرق و غرب، دریای خزر و خلیج‌فارس، آسیای مرکزی و آبهای آزاد، ارزیابی شود. روی این اصل است که صاحب‌نظران حوزه مسائل استراتژیک با اذعان به تغییر مکان هارتلند ژئواستراتژیک، ژئوکconomیک قرن بیستم بر این باورند که ایران تبدیل به هارتلند انرژی جهان در سده بیست و یکم شده است. حفظ و تقویت



جایگاه ممتاز ژئوپلیتیک مستلزم شناخت این تحولات و تدوین یک استراتژی جامع و کامل با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی امنیتی و اقتصادی است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئوکconomیک از جهان، که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا محل زندگی بیش از یک‌سوم جمعیت جهان، و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد، ایران را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی و منطقه‌ای قرار می‌دهد. این امر باعث شده تا موقعیت ج. ا. ایران بیش از بقیه کشورهای هم‌جوار خطیر و حساس باشد. از آنجاکه ایران در منطقه متحده راهبردی و استراتژیک ندارد بررسی تأثیر موقعیت ژئوپولی نومیک در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ایالات متحده امریکا راهبرد همه‌چیز بدون ایران را در دستور کار دارد، حفظ و بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی مستلزم سیاستی پیچیده و چند بُعدی با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. پیگیری سیاست اعتمادسازی، اتخاذ سیاست غیر چالشی در روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، پیگیری سیاست مذاکره، درگیر سازی سرمایه‌های خارجی در منابع داخلی، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند با توجه به پویش‌های کنونی منطقه نقش مهمی در ارتقا توان تأثیرگذاری و چانه‌زنی ایران در روند معادلات منطقه‌ای و بهویژه معادلات انرژی ایفا کنند. موقعیت ژئوپلیتیک ایران فرصت‌هایی استثنایی را فراوری کشور قرار داده است که می‌توان به قرار گرفتن آن بین دو قطب انرژی (بیضی استراتژیک)، مسیر مطمئن و به صرفه خطوط انتقال انرژی به عنوان گلوگاه انرژی منطقه و امکان ورود ایران به بازارهای کشورهای آسیای مرکزی اشاره نماییم. که نشان‌دهنده "جایگاه و موقعیت ایران در محیط ژئوپلیتیک و ژئوکconomیک اوراسیا" است.

ایران به طور بالقوه در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قرار گرفته که به خودی خود بسیار مؤثر و مهم است و این موضوع می‌تواند ما را تبدیل در اوراسیا کند. بالفعل در آوردن پتانسیل‌های موجود ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت را نیازمند هدف و برنامه‌ریزی است. همان‌طور که در نظریات ژئوپلیتیسین‌ها به عنوان نقطه مشترک می‌توان یاد کرد، جایگاه مهم و اهمیت زیاد ژئوپلیتیکی ایران است که در صورت استفاده بهینه از این قابلیت فرصتی استثنایی جهت تسلط بر منطقه و ارتقاء سطح قدرت و انتقال از جایگاه فعلی به یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی فراروی آن خواهد بود، با بی‌توجهی به این شرایط، ضمن فراهم شدن زمینه‌های اساسی در افزایش هزینه‌ها و تحریک بی‌اعتمادی بین‌المللی و نیز با کاهش نیاز بین‌المللی به کارکردهای ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، تدریجاً هم‌افزایی در تولید تهدیدات ژئوپلیتیکی، جانشین امنیت ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.



منابع

- ^۱ احمدی، سید عباس، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران: اولین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، پاییز ۱۳۸۴، صص. ۲۷۷-۲۹۷
- ^۲ اطاعت، جواد (۱۳۹۲)، مبانی توسعه پایدار در ایران، فصل سوم: سیاست خارجی و توسعه در ایران، نشرنی. تهران
- ^۳ سلیمی، حسین، آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی، فصلنامه ژئوپلیتیک-سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۱۶-۱۳۷
- ^۴ شاکری، مجید، ایران و الگوی امنیت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی، ماهنامه نگرش راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هشتم، شماره ۸۷، بهمن، ۱۳۸۶ صص ۱۲۱-۱۳۰
- ^۵ رحیم‌پور، علی، تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۴ و ۱۸۳، ۱۳۸۶، ص ۵۷ و ۵۸
- ^۶ قلی زاده و ذکی، (۱۳۸۷)، بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئوکنومیکی ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم
- ^۷ کوهن، سوئل (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، مترجم: عباس کاردان، اپ نخست، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ص ۸۴-۹۱
- ^۸ عزتی، عزت‌الله، ژئوکنومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، هند و پاکستان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ص ۳۴
- ^۹ دکتر عزت‌الله عزتی، ۱۳۸۰، ژئوپلیتیک قرن ۲۱، انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۱۰۶
- ^{۱۰} عزتی عزت‌الله (۱۳۸۵) استراتژی آمریکا در خلیج فارس همشهری دیپلماتیک ۱۳۸۵/۱۱/۹.
- ^{۱۱} عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۳) .جایگاه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران، تهران: تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران ص ۲۱۵.
- ^{۱۲} مجتبهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران ر نشر نی، ص ۷۷
- ^{۱۳} مجتبهد زاده، پیروز (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست ۲، انتشارات سمت، تهران ص ۱۳۱-۱۳۳

_BP.statistical review of world energy 2014

_Energy Information Russia, Country Analysis Briefs, (May, 2008) [online]

Available: <<http://www.eia.doe.gov/emeu/russia.html>

_Glipin, Robert (2001), Global Political Economy: Understanding the International Economic Order, Princeton: Princeton University Press.

_Shahram Chubin, (Summer 1999), "The Geopolitics of the Southern Republics", International Affairs, Vol. IV, No. 2,

. <http://danakhabar.com>

_<http://shehr.persiangig.com/iran.pdf>



Investigating the Geopolitical Facilitating Components of Iran in the Regional Superior Power in Southwest Asia

Azam Yusefi,Assistant Professor of Political Geography,Saveh Branch,Azad Islamic University

Zeynab Tabrizi,PhD in International Relations.Allameh Tabatabae University

Davoud Hasanabadi, Assisstant Professor of Geography Department at Islamic Azad University, Garmsar Branch, Tehran, Iran.

Abstract

The mechanism of politico-geographical relationships create a situation which facilitate better management of political space within states and clarifies the geopolitical weight of the same geographical space at regional and global levels. Hence, lack of appreciation of geographical situations of any geographical space and it's relevant issues such as it's strong and weak points will have negative consequences for the national interests to that given state or country.Iran, one of the south west Asian countries, with geopolitical and geoeconomical capacities, can become the only superpower in the region. Therefore, the practical aim is to recognize and investigate the facilitative factors which promote iran s power level and to take right and basic policies in order to become the superpower in the west south of asia.The present research is descriptive –analytic, based on library resources. It investigates the geopolitical promotive variable which can be a base for materializing the priority of iran in the region.

KEYWORDS: Iran, South West Asia, Region, Geopolitical Location, Power.